

شب است و آسمان لبریز مهتاب
تمام شهر در گهواره ی خواب
دوباره سایه ای در کوچه جاری ست
به جز او هیچ کس در کوچه ها نیست
گرفته کیسه ای بر روی شانه
دوباره می برد خانه به خانه
دو دستش پر ز عطر خوب یاسند
شب و مهتاب او را می شناسند
به چشمانش گل مهتاب پیدا است
دل پهناورش مانند دریا است
علی(ع) در کوچه های شب روان است
در هر خانه ای یک قرص نان است